

تفکر جانبی (سبک اندیشه)

تفکر جانبی (سبک اندیشه) عبارت است از روشی نوآورانه و خلاقانه برای روبرویی با یک مسأله و حل آن، بطور غیر متعارف؛ مثل روش ایجاد آشفته‌گی هدفمند در ذهن و بررسی همه جانبه موضوع و استفاده از فکر آزاد، پیرامون یک موضوع. این فرآیند ممکن است در مرحله نخست، حتی نتایج ظاهراً نامعقولی هم بدهد، اما در نهایت گزینه های معقول گزیده می شود. تفکر جانبی در برابر تفکر خطی و الگوریتمی است. تفکر جانبی «روشی برای حل مسأله، از یک زاویه یا زوایای نامتعارف و غیر شایع است»

Lateral thinking is solving problems through an indirect and creative approach, using reasoning that is not immediately obvious and involving ideas that may not be obtainable by using only traditional step-by-step logic. The term was coined in 1967 by Edward de Bono.(Look up Wikipedia/The entry

ترجمه: تفکر جانبی عبارت است از حل مسایل از رهیافت و طریقی غیر مستقیم و کارگرفت انگاره هایی که آشکار و دانسته نیستند. این راه حل ها در تفکر متداول و منطق گام به گام دست یافتنی نیست. این اصطلاح در

سال ۱۹۶۷ توسط ادوارد دو بو نو ارایه شد.

ادوارد دو بونو:

ما بواسطه ساز و کار موجود در مغز و نیز بواسطه تفکر خطی ای که به آن عادت داریم، دستگاه ادراکی خود را به گونه ای سازماندهی و تربیت می کنیم که سیستم عصبی ما در تسهیل مدارهای خود، همواره از یک مسیر و یک طریق با مسایل مواجه شود و راه حل های قالبی و غالبی را بکار بندد. این مسأله، آفرینندگی و توان ما را در برابر روش بهتر اندیشیدن و حل مسایل می کاهد و ما را نسبت به خلق ایده های نو، ناتوان می کند. در واقع مدارهای مغز ما در فرآیند نگاه خطی که مبتنی بر تبعیت از سازه های معرفتی از پیش ساخته و الگوهای از پیش ساخته است، به گونه ای سازمان می یابد که بیشتر به مسایل، یک نوع نگاه کند؛ خلاق نباشد و کمتر به کشف و نوفهمی دست بزند. خلاق نبودن و استفاده از محصول آماده از قبل، همواره آسان و کم هزینه است و مغز هم مانند سایر اندام ها، تمایل به تنبلی و پیروی از راهکارهای کم هزینه دارد.

۹ پیوند مرتبط

تفکر انتقادی

مقاله تفکر جانبی

داده های ریزوماتیک

کتاب آفرینندگی، تفکر جانبی و باور دینی